بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

**موضوع:**

# ازدواج صحیح از منظر قرآن کریم با تأکید بر آیه ۲۷ سوره قصص


سردبیر: زهرا کریم کشته

**زیر گروه: فاطمه سنچولی، اعظم صائبی راد، آرزو سنچولی، فاطمه مهنوری، رومینا اصغریان**

**فائزه حوران، حمیده صیادی، فاطمه کوهکن، صالحه دهمرده و معصومه بامری**


پاییز۹۹


**چکیده**

این پژوهش به بحث و بررسی پیرامون اهمیت ازدواج ، فواید آن و تفسیر اهمیت ازدواج در آیه ۲۷ سوره قصص می پردازد . مسأله ازدواج و تشکیل خانواده در شرع مقدس امر بسیار مهمی است و فواید بسیاری هم دارد. اما مهم ترین فایده و هدف ازدواج عبارت است از تشکیل خانواده . نفس این علقه زوجیت و تشکیل یک واحد جدید، مایه آرامش زن ومرد و مایه کمال و اتمام شخصیت آنهاست. بدون آن ، هم زن و هم مرد هردو ناقصند. همه مسایل دیگر ، فرع بر این است. اگر این کانون، سالم و پایدار باشد، هم روی آینده و هم روی همین وضع فعلی جامعه تأثیر خواهد گذاشت ازدواج در حقیقت دروازه ورود به تشکیل خانواده است و تشکیل اساس همه تربیت های اجتماعی و انسانی است.مادر این تحقیق به معرفی ازدواج وضرورت ها واهداف آن پرداخته ایم. و روش کار به صورت کتابخانه ای بوده است و در پایان می توان گفت ، ازدواج علاوه بر عمل به دستور خداوند و اجرای سنّت رسول اکرم صلی الله علیه وآله عاملی است که فرد و جامعه را از خطرات جسمی و روحی و روانی حفظ کرده و برای همه ایجاد امنیت می ناید.



کلید واژه:

**خاستگاری، نامزدی،زن گرفتن، ازدواج، مرد، زن، همسر، فرزند، موسی ﴿عَلَيهِ السّلامُ﴾، « شعیب »﴿عَلَيهِ السّلامُ﴾**


**مقدمه**

ازدواج هستهٔ اول ایجاد خانواده و آن نیز به نوبهٔ خود واحدی در سنگ بنای جامعهٔ انسانی است. نوع پایه گذاری و میزان اندیشه و تدبّر در آن در میزان پیشرفت یا انحطاط سقوط یا صعود جامعه تأثیر دارد. ازدواج از نظر اسلام پیمانی مقدس است،پیمانی که

برقراری آن براساس مقرّرات آداب و رسوم، تشریفات و قوانین خاصی است.« **علی قائمی امیری ،تشکیل خانواده در اسلام، ص۱۸.**» دین اسلام به ازدواج عنایت و تأکید فوق العاده ای دارد: به طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید:هیچ چیزی نزد خدا محبوبتر از ازدواج نیست. « **محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه،ج۱٤،ص۳.**» رسول گرامی صلی الله علیه وآله ازدواج نکردن را اعراض از سنّت خویش یعنی خروج از اسلام می داند و خانه ای که ازدواج در آن صورت پذیرد را بهترین خانه می داند. « **حسین مظاهری،خانواده در اسلام ،ص۸۹.**» از دیدگاه اسلام ،ازدواج کمال دین و ترک ازدواج دلیل نقصان آن است اسلام ارزش عبادت شخص متزوّج را هفتاد برابر شخص مجرد می داند ومی فرماید:شخص متزوج با ازدواج خود نصف دین و ایمان خویش را از خطرها و آفت ها حفظ نموده است. « **سید محمد حسین بهارانچی، آئین همسرداری و آداب زندگی در اسلام، ص۱٦.**» انسان تا زمانی که ازدواج نکند دینش در خطر است زیرا غرایز جنسی و فشارهای روحی و احساس تنهایی و بیهودگی و نداشتن پناهگاه و عدم احساس مسئولیت اجتماعی و دیگر زیانهای مجرد بودن، به ریشه و اساس ایمان انسان لطمه می زند و آن را متزلزل می کند.اما در اثر ازدواج و تشکیل خانواده و قرار گرفتن در کنار همسری شایسته و محبوب و همدم ،هم غریزهٔ جنسی کنترل می شود و هم آرامش روحی به وجود می آید و هم توکل انسان به خدا بیشتر می شودواز حالت پریشانی خارج می شود ،احساس امنیّت و شخصیت می کند،چشم و فکرش از جاهای دیگر کنده و به همسرش متوجه می گردد. « **علی اکبر مظاهری،جوانان و انتخاب همسر، ص۱۸.**» در قرآن و روایت اسلامی به امر مقدس ازدواج،سفارش فراوان شده است. در آیه ۳۲ سوره نور می خوانیم:«و اَنکِحُوا الایامی منکم و الایامی منکم و الصالحینَ من عبادِکُم و امائکِم ان یکونوا فقراء یُغنهُمُ الله مِن فَضلِه وَ الله واسعٌ علیمٌ »«به مردان و زنان بی همسر ،همسر دهید و همچنین به غلامان و کنیزان صالح،همسر دهید.اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می سازد،خداوند وسعت دهنده و آگاه است.»در این آیه همهٔ مردم ،مورد خطاب خدا قرار گرفته اند تا با تعاون،وساطت،کمکهای مالی و فراهم نمودن اسباب کار،بی همسران را دارای همسر کنند و در امر مقدس و پر اهمیّت ازدواج که یک امر ضروری برای حفظ عفّت جامعه است بی تفاوت نباشند.« **محمد محمدی اشتهاردی،،ازدواج و شیوهٔهمسرداری، ص۳.**» پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در ارتباط با عدم ازدواج به جهت ترس از فقر می فرمایند:کسی که از ترس تهیدستی ازدواج نکند نسبت به خدای عزوجل گمان بد دارد. « **محمد بن یعقوب کلینی،اصول کافی،ترجمه:حاج سید جواد مصطفوی،ج۵،ص۳۳۱.**» پس فقر و تهیدستی نمی تواندمانع از ازدواج گردد.« **رحمت الله بابایی(سواد کوهی) ،عشق و زندگی با رعایت حقوق زوجین،ص٦**

## خواستگاری و نامزدی

من سخن خود را دربارهٔ چهل مادهٔ پیشنهادی از همان نقطه آغاز می کنم که در این پیشنهاد ها آغاز شده است. در این پیشنهادها به ترتیب « قانون مدنی » اول از خواستگاری و نامزدی بحث به میان آمده است.

نظر به اینکه قوانین مربوط به خواستگاری و نامزدی که در قانون مدنی آمده است قوانین مستقیم اسلامی نیست یعنی نص و دستور صریحی از خود اسلام در اغلب اینها نرسیده است و قانون مدنی آنچه در این زمینه گفته طبق استنباطی است که از قواعد کلی اسلامی کرده است، ما خود را مکلف به دفاع از قانون مدنی نمی دانیم و وارد بحث در جزئیات نظریات پیشنهاد کننده نمی شویم. با اینکه پیشنهاد کننده مرتکب اشتباهات عظیمی شده است و حتی از درک مفهوم صحیح آن چند ماده ساده عاجز بوده است. اما از دو مطلب در اینجا نمی توانیم صرف نظر کنیم

## آیا خواستگاری مرد از زن اهانت به زن است؟

۱- پیشنهاد کننده میگوید " :

قانونگذار ما حتی در این چند ماده کذائی ( مربوط به خواستگاری و نامزدی) هم این نکته ارتجاعی و غیر انسانی را فراموش نکرده است که مرد اصل است و زن فرع، در تعقیب فکر مزبور ماده ۱۰۳۴ را که اولین ماده قانون در کتاب نکاح و طلاق است به نحو زیر تنظیم نموده است: ماده ۱۰۳۴ – از هر زنی که خالی از موانع نکاح باشد میتوان خواستگاری نمود.

به طوری که ملاحظه می شود به موجب ماده مزبور با اینکه هیچگونه حکم و الزامی بیان نشده است، ازدواج به معنی «زن گرفتن» برای مرد مطرح شده و او به عنوان مشتری و خریدار تلقی گردیده و در مقابل زن نوعی کالا وانمود شده است. این قبیل تعبیرات در قوانین اجتماعی اثر روانی بسیار بد و ناگوار ایجاد می کند و مخصوصا تعبیرات مزبور در قانون ازدواج بر روی رابطه زن و مرد اثر می گذارد و به مرد ژست آقائی و مالکیت و بزن وضع مملوکی و بندگی می بخشد .

به دنبال این ملاحظه دقیق روانی ! موادی که خود پیشنهاد کننده تحت عنوان خواستگاری ذکر می کند برای اینکه خواستگاری جنبه یکطرفه و حالت «زن گرفتن » به خود نگیرد خواستگاری را هم وظیفه زنان دانسته و هم وظیفه مردان، تا در ازدواج تنها «زن گرفتن » صدق نکند،« مرد گرفتن » هم صدق کند، یا لااقل نه زن گرفتن صدق کند و نه مرد گرفتن. اگر بگوییم زن گرفتن، یا اگر همیشه مردان را موظف کنیم که بخواستگاری زنان بروند حیثیت زن را پائین آورده و آن را به صورت کالای خریدنی در آوردهایم!

## غریزه مرد طلب و نیاز است و غریزه زن جلوه و ناز

اتفاقا یکی از اشتباهات بزرگ همین است. همین اشتباه سبب پیشنهاد الغاء مهر و نفقه شده است و ما در جای خود مشروحاً درباره مهر و نفقه بحث خواهیم کرد.

اینکه از قدیم الایام، مردان به عنوان خواستگاری نزد زن می رفته اند و از آنها تقاضای همسری می کرده اند از بزرگترین عوامل حفظ حیثیت و احترام زن بوده است. طبیعت، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن .طبیعت زن را گل، و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است. این یکی از تدابیر حیکمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه مرد نیاز و طلب و در غریزه زن ناز و جلوه قرار داده است. ضعف جسمانی زن را در مقابل نیرومندی جسمانی مرد، با این وسیله جبران کرده است.

خلاف حیثیت و احترام زن است که بدنبال مرد بدود. برای مرد قابل تحمل است که از زنی خواستگاری کند و جواب رد بشنود و آنگاه از زن دیگری خواستگاری کند و جواب رد بشنود تا بالاخره زنی رضایت خود را به همسری با او اعلام کند، اما برای زن که میخواهد محبوب و معشوق و مورد پرستش باشد و از قلب مرد سر در آورد تا بر سراسر وجود او حکومت کند، قابل تحمل و موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیانا جواب رد بشنود و سراغ مرد دیگری برود.

به عقیده ویلیام جیمز فیلسوف معروف امریکائی، حیا و خودداری ظریفانه زن غریزه نیست، بلکه دختران حوا در طول تاریخ دریافتند که عزت و احترامشان باین است که بدنبال مردان نروند، خود را مبتذل نکنند و از دسترس مرد خود را دور نگه دارند، زنان این درسها را در طول تاریخ دریافتند و بدختران خود یاد ندادند.

اختصاص به جنس بشر ندارد، حیوانات دیگر نیز همین طورند، همواره این مأموریت به جنس نر داده شده است که خود را دلباخته و نیازمند به جنس ماده نشان بدهد. مأموریتی که به جنس ماده داده شده این است که با پرداختن به زیبائی و لطف و با خودداری و استغناء ظریفانه، دل جنس خشن را هر چه بیشتر شکار کند و او را از مجرای حساس قلب خودش و به اراده و اختیار خودش در خدمت خود بگمارد .

## مرد خریدار وصال زن است نه رقبه او

عجبا، میگویند چرا قانون مدنی لحنی بخود گرفته است که مرد را خریدار زن نشان می دهد؟ اولا این مربوط به قانون مدنی نیست، مربوط به قانون آفرینش است، ثانیا مگر هر خریداری از نوع مالکیت و مملوکیت اشیاء است؟ طلبه و دانشجو خریدار علم است. متعلم خریدار معلم است. هنرجو خریدار هنرمند است. آیا باید نام اینها را مالکیت بگذاریم و منافی حیثیت علم و عالم و هنر و هنرمند به شمار آوریم؟ مرد خریدار وصال زن است نه خریدار رقبه او. آیا واقعا شما از این شعر شاعر شیرین سخن ما حافظ، اهانت بجنس زن میفهمید که میگوید :

شیراز معدن لب لعل است و کان حسن — من جوهری مفلس از آنروز مشوشم

شهری است پر کرشمه و خوبان ز شش جهت — چیزیم نیست ورنه " خریدار هر ششم

حافظ افسوس می خورد که چیزی ندارد نثار خوبان کند و التفات آنها را به خود جلب کند. آیا این اهانت به مقام زن است یا مظهر عالیترین احترام و مقام زن در دلهای زنده و حساس است که با همه مردی و مردانگی در پیشگاه زیبائی و جمال زن خضوع و خشوع میکند و خود را نیازمند به عشق او و او را بی نیاز از خود معرفی می کند؟

منتهای هنر زن این بوده است که توانسته مرد را در هر مقامی و هر وضعی بوده است به آستان خود بکشاند .

اکنون ببینید به نام دفاع از حقوق زن چگونه بزرگترین امتیاز و شرف و حیثیت زن را لکه دار می کنند؟

این است که گفتیم این آقایان به نام اینکه ابروی زن بیچاره را میخواهند اصلاح کنند چشم وی را کور می کنند.

## اشکالات و معایب چند همسری

سعادت و خوشبختی زناشوئی در گرو صفا ، صمیمیت ، گذشت ، فداکاری ،وحدت و یگانگی است. و همه اینها در چند همسری به خطر می افتد .

گذشته از وضع ناهنجار زنان و فرزندان دو مادره، از نظر خود مرد آنقدر مسؤولیتهای تعدد زوجات سنگین و خردکننده است که رو آوردن به آن پشت کردن به مسرت و آسایش است .

اکثر مردانی که از تعدد زوجات راضی و خشنودند آنها هستند که عملا از زیر بار مسؤولیتهای شرعی و اخلاقی آن شانه خالی می کنند، زنی را مورد توجه قرار داده زن دیگر را از حساب خارج می کنند و به تعبیر قرآن کریم، او را " کالمعلّقه " رها می کنند. آنچه اینگونه افراد نام تعدد زوجات به آن می دهند در واقع نوعی تک همسری است توأم با ستمکاری و جنایت و بیدادگری .

مثل عامیانهای در میان مردم رایج است، می گویند: خدا یکی، زن یکی " عقیده اکثر مردان بر این بوده و هست و حقاً اگر خوشی و مسرت را مقیاس قرار دهیم و مسأله را از زاویه فردی و شخصی بسنجیم عقیده درستی است. اگر درباره همه مردان صادق نباشد درباره اکثریت مردان صادق است .

اگر مردی خیال کند که تعدد زوجات با قبول همه مسؤولیتهای شرعی و اخلاق بنفع اوست و او از نظر تن آسائی از این کار صرفه می برد سخت در اشتباه است. مسلما تک همسری از نظر تأمین خوشی و آسایش بر چند همسری ترجیح دارد، اما...

## بررسی صحیح

بررسی درستی و نادرستی مسائلی مانند تعدد زوجات ـ که ناشی از ضرورت های شخصی یا اجتماعی است ـ به این نحو صحیح نیست که آن را با تک همسری مقایسه کنیم .

بررسی صحیح این گونه مسائل منوط به این است که از طرفی علل و موجبات ایجاب کننده آنها را در نظر بگیریم و ببینیم عواقب وخیم بی اعتنائی به آنها چیست. از طرف دیگر نظری به مفاسد و معایبی که از خود این مسائل ناشی می شود بیفکنیم، آنگاه یک محاسبه کلی روی مجموع آثار و نتایجی که از دو طرف مسئله پیدا میشود به عمل آوریم. تنها در این صورت است که این گونه مسائل بصورت واقعی خود طرح و مورد بررسی قرار گرفته اند.

توضیحا مثالی ذکر می کنم : فرض کنید میخواهیم درباره " سربازی اجباری " نظر بدهیم .اگر تنها از زاویه منافع و تمایلات خانوادهای که سرباز به آنها تعلق دارد بنگریم شک ندارد که قانون سرباز وظیفه قانون خوبی نیست، چه از این بهتر که قانونی بنام قانون سربازی وظیفه وجود نداشته باشد و عزیز دل خانواده از کنارشان دور نرود و احیانا بمیدان جنگ و خاک و خون کشیده نشود !

«علی بن ابراهیم» نقل شده آمده است که وقتی « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ از دخترش سؤال کرد قوت این جوان معلوم است که دلو بزرگ را از چاه کشید امانتش از کجا؟گفت برای اینکه او حاضر نبود پشت سر زنان نگاه کند(تفسیر نور الثقلین جلد ۴ صفحه ۱۲۳). »

به علاوه از خلال سرگذشت صادقانه ای که برای « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ نقل کرد نیز قدرت او در مبارزه با «**قبطیان**» روشن می شد و هم امانت و درستی او که هرگز با جباران سازش نکرد،و روی خوش نشان نداد.

در اینجا « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ از پیشنهاد دخترش استقبال کرد،رو به موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ نموده چنین «گفت:من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی»! ( **قالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنْکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هاتَیْنِ عَلی أَنْ تَأْجُرَنِی ثَمانِیَ حِجَجٍ** ) «حجج»«جمع»«حجه»است و«حجه»به معنی یک سال است نظر به اینکه معمول عرب این بود که در هر سال یک حج بجا می آوردند و از زمان ابراهیم به یادگار مانده بود.»

سپس افزود «و اگر هشت سال را به ده سال تکمیل کنی محبتی کرده ای، اما بر تو واجب نیست»! ( **فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِکَ** ).

و به هر حال «من نمی خواهم کار را بر تو مشکل بگیرم،و انشاء اللّه به زودی خواهی دید که من از صالحانم» ( **وَ ما أُرِیدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَیْکَ سَتَجِدُنِی إِنْ شاءَ اللّهُ مِنَ الصّالِحِینَ** ).

من به عهد و پیمانم وفادارم و هرگز سختگیری نخواهم کرد و با خیر و نیکی با تو رفتار خواهم نمود.

در اطراف این پیشنهاد ازدواج و مهریه و سایر خصوصیات آن سؤالات بسیاری مطرح است که در بحث نکاح ان شاء اللّه خواهد آمد.

موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ به عنوان موافقت و قبول این عقد «گفت:این قراردادی میان من و تو باشد» ( **قالَ ذلِکَ بَیْنِی وَ بَیْنَکَ** ).

البته «هر کدام از این دو مدت(هشت سال یا ده سال)را انجام دهم ظلمی بر من نخواهد بود و در انتخاب آن آزادم» ( **أَیَّمَا الْأَجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلا عُدْوانَ عَلَیَّ** ).

و برای محکم کاری و استمداد از نام پروردگار افزود: «و خدا بر آنچه ما می گوئیم شاهد و گواه است» ( **وَ اللّهُ عَلی ما نَقُولُ وَکِیلٌ** ).

و به همین سادگی موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ داماد « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ شد !

**نکته ها:**

**۱- دو شرط اساسی برای مدیریت صحیح**

در جمله کوتاهی که در آیات فوق از زبان دختر« **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ در مورد استخدام موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ آمده بود مهمترین و اصولی ترین شرایط مدیریت به صورت کلی و فشرده خلاصه شده بود:قدرت و امانت.

بدیهی است منظور از«**قدرت**» تنها قدرت جسمانی نیست،بلکه مراد قدرت و قوت بر انجام مسئولیت است.

یک پزشک قوی و امین پزشکی است که از کار خود آگاهی کافی و بر آن تسلط کامل داشته باشد.

یک مدیر قوی کسی است که حوزه ماموریت خود را به خوبی بشناسد،از «**انگیزه ها**» با خبر باشد،در«**برنامه ریزی**» مسلط و از «**ابتکار**» سهم کافی و در«**تنظیم کارها**» مهارت لازم داشته باشد، «**هدفها را روشن کند**» و نیروها را برای رسیدن به هدف «**بسیج**» نماید.

عین حال دلسوز و خیرخواه و امین و درستکار باشد.

آنها که در سپردن مسئولیتها و کارها تنها به امانت و پاکی قناعت می کنند به همان اندازه در اشتباهند که برای پذیرش مسئولیت داشتن تخصص را کافی بدانند.

«**متخصصان خائن** و آگاهان نادرست» همان ضربه را می زنند که «**درستکاران ناآگاه و بی اطلاع**»!

اگر بخواهیم کشوری را تخریب کنیم باید کارها را به دست یکی از این دو گروه بسپاریم: «**مدیران خائن**»،و «**پاکان غیر مدیر**» و نتیجه هر دو یکی است!

منطق اسلام این است که هر کار باید به دست افرادی نیرومند و توانا و امین باشد،تا نظام جامعه به سامان رسد،و اگر در علل زوال حکومتها در طول تاریخ بیندیشیم می بینیم عامل اصلی سپردن کار به دست یکی از دو گروه فوق بوده است.

جالب اینکه در برنامه های اسلامی در همه جا«**علم**» و «**تقوا**»در کنار هم قرار دارد، مرجع تقلید باید «**مجتهد**» و«**عادل**» باشد، قاضی و رهبر باید«**مجتهد**» و«**عادل**» باشد (البته در کنار این دو شرط شرائط دیگری نیز هست اما اساس و پایه، این دو است«**علم و آگاهی**»، توام با «**عدالت و تقوی**»).

## ۲- پاسخ به چند سؤال در مورد ازدواج دختر شعیب با موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾

گفتیم آیات فوق سؤالات فراوانی را برانگیخته است که باید جواب همه را به طور فشرده بیاوریم:

**الف:**آیا از نظر فقهی صحیح است دختری که می خواهد به ازدواج کسی در آید دقیقا معلوم نباشد بلکه به هنگام اجرای صیغه عقد گفته شود **یکی از این دو دختر را به ازدواج تو درمی آورم.**

«**پاسخ**»: معلوم نیست که عبارت فوق به هنگام اجرای صیغه گفته شده باشد بلکه ظاهر این است که گفتگوی مقدماتی و به اصطلاح «**مقاوله**» است تا بعد از موافقت موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ ،طرفین یکدیگر را انتخاب کنند و صیغه عقد جاری شود.

**ب:** آیا می توان «**مهر**» را به صورت مجهول و مردد میان کم و زیاد قرار داد؟

«**پاسخ**»: از لحن آیه به خوبی برمی آید که مهریه واقعی هشت سال خدمت کردن بوده است و دو سال دیگر مطلبی بوده است موکول به اراده و میل موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ .

**ج:** اصولا آیا می توان «**کار و خدمات**»را مهریه قرار داد؟و چگونه می توان با چنین همسری هم بستر گردید در حالی که هنوز زمان پرداخت تمام مهریه او فرا نرسیده است و حتی قدرت بر پرداخت همه آن یک جا ندارد؟

«**پاسخ**»:هیچ دلیلی بر عدم جواز چنین مهری وجود ندارد،بلکه اطلاقات «**ادله مهر**» در شریعت ما نیز هر چیزی را که ارزش داشته باشد شامل می شود، این هم لزومی ندارد که تمام مهر را یک جا بپردازند،همین اندازه که تمام آن در ذمه شوهر قرار گیرد و زن مالک آن شود کافی است،اصل «**سلامت**» و «**استصحاب**» نیز حکم می کند که این شوهر زنده می ماند و توانایی بر اداء این خدمت را دارد.

**د:** اصولا چگونه ممکن است خدمت کردن به پدر،مهر دختر قرار داده شود؟مگر دختر کالایی است که او را به آن خدمت بفروشند؟ . « مرحوم «**محقق حلی**»در«**شرایع**» می گوید: «**یصح العقد علی منفعه الحر کتعلیم الصنعه و السوره من القرآن و کل عمل محلل و علی اجاره الزوج نفسه مده معینه**»–و مرحوم فقیه بزرگوار « **صاحب جواهر**» بعد از ذکر این عبارت می گوید: «**وفاقا للمشهور**» («جواهر الکلام» جلد ۳۱ ص ۴).»

«**پاسخ**»: بدون شک شعیب از سوی دخترش در این مساله احراز رضایت نموده و وکالت داشت که چنین عقدی را اجرا کند،و به تعبیر دیگر مالک اصلی در ذمه موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ ،همان دختر « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ بود،اما از آنجا که زندگی همه آنها به صورت مشترک و در نهایت صفا و پاکی می گذشت و جدایی در میان آنها وجود نداشت (همانگونه که هم اکنون در بسیاری از خانواده های قدیمی یا روستایی دیده می شود که زندگی یک خانواده کاملا به هم آمیخته است)این مساله مطرح نبود،که ادای این دین چگونه باید باشد،خلاصه اینکه مالک مهر تنها دختر است نه پدر و خدمات موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ نیز در همین طریق بود.

**هـ:** مهریه دختر « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ مهریه نسبتا سنگینی بوده،زیرا اگر به حساب امروز کار یک کارگر معمولی را در یک ماه و یک سال محاسبه کنیم و سپس آن را در عدد ۸ ضرب نمائیم مبلغ قابل ملاحظه ای می شود.

«**پاسخ**»:**اولاً** این ازدواج یک ازدواج ساده نبود بلکه مقدمه ای بود برای ماندن موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ در مکتب « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾، مقدمه ای بود برای اینکه موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ یک دانشگاه بزرگ را در این مدت طولانی طی کند،و خدا می داند که در این مدت موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ چه ها از «**پیر مدین**» فرا گرفت.

**از این گذشته،** اگر موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ این مدت را برای « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾کار می کرد،در عوض « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ نیز تمام زندگی او و همسرش را از همین طریق تامین می نمود،بنا بر این اگر هزینه موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ و همسرش را از مزد این کار کم کنیم مبلغ زیادی باقی نخواهد ماند و تصدیق خواهیم کرد مهر ساده و سبکی بوده است.!

۳- ضمنا از این داستان استفاده می شود آنچه امروز در میان ما رائج شده که پیشنهاد پدر و کسان دختر را در مورد ازدواج با پسر عیب می دانند درست نیست، هیچ مانعی ندارد کسان دختر شخصی را که لایق همسری فرزندشان می دانند پیدا کنند و به او پیشنهاد دهند همانگونه که « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ چنین کرد،و در حالات بعضی از بزرگان اسلام نظیر آن دیده شده است.

۴- نام دختران « **شعیب** »﴿**عَلَیهِ السّلامُ**﴾ را (یا صفورا) و «**لیا**» نوشته اند که اولی با موسی ﴿عَلَیهِ السّلامُ﴾ ازدواج کرد . « مجمع البیان جلد ۷ صفحه ۲۴۹.»

**نتیجه**

دین اسلام کاملترین دین ها است که برای جزء جزء زندگی انسان برنامه دارد که یکی از این برنامه ها پیمان ازدواج زن و مرد با یکدیگراست و در حقیقت پیمانی برای پشتیبانی این دو از هم در تمامی مراحل زندگی استازدواج عمل به دستور خداوندو اجرای سنّت رسول اکرم صلی الله علیه وآله و یکی از عوامل خوشبختی همسران بوده واگر به شکل صحیح انجام شودعاملی است برای شکوفا شدن استعدادها و تکامل دین و ایمان وایجاد امنیت و آسایش و جلوگیری از فساد و حفظ عفت وپاکدامنی وباعث تأمین سلامت جسم و بر قراری تعادل و محفوظ ماندن از بیما ریهای عصبی و روانی است وهمچنین نیکو شدن اخلاق و ایثار در حق دیگری را به دنبال می آورد.ممکن است یک ازدواج تمامی آثار مذکور را داشته باشد وممکن است عده معدودی ازآن ها را به دنبال آورد ،به هرحال هیچگاه ازدواج صحیح بدون تاثیر نخواهد بود وتنها راه نجات فرد وجامعه از کشیده شدن به ابتذال وفساد می باشد.

## منابع


علی قائمی امیری: تشکیل خانواده در اسلام، ص۱۸.

محمد بن حسن حر عاملی: وسایل الشیعه،جلد۱۴، ص۳.

حسین مظاهری: خانواده در اسلام ، ص۸۹.

سید محمد حسین بهارانچی: آئین همسرداری و آداب زندگی در اسلام، ص۱۶.

علی اکبر مظاهری: جوانان و انتخاب همسر، ص۱۸ .

محمد محمدی اشتهاردی: ازدواج و شیوهٔهمسرداری، ص۳ .

محمد بن یعقوب کلینی: اصول کافی،ترجمه:حاج سید جواد مصطفوی، جلد۵، ص۳۳۱.

رحمت اللّه بابایی(سواد کوهی): عشق و زندگی با رعایت حقوق زوجین، ص۶۶.

نظام حقوق زن در اسلام: شهید استاد مرتضی مطهری جلد۷۴ ص : ۳۷ تا ۴۱ و ص : ۳۴۲ تا ۳۵۰

محسن قرائتی: تفسیر نورجلد۷ سوره القصص، آیه ۲۷ ..... ص : ۴۳ تا ۴۷

آیت ا... العظمی مکارم شیرازی : تفسیر نمونه جلد ۱۶ سوره القصص، آیه ص: ۲۷ ..... ص : ۷۶ تا ۸۲